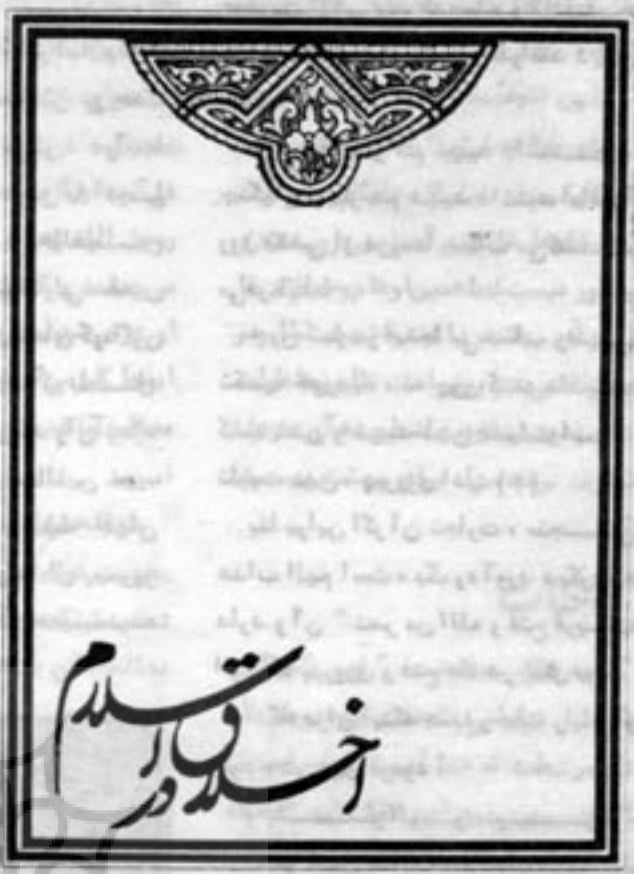




آیت الله مشکینی



خدمت اسلام

یقین و باور درونی

را بوسیله طاعت خویش دریافتی باز بر طاعت خود بیفزای تا بدرجه ای دیگر نائل آئی.

توضیح سخن آنکه می‌تردید، عمل و طاعت در تحقق صفت یقین اثری مستقیم دارد، چنانچه صفت یقین نیز در تحقق عمل خارجی مؤثر است. بنا براین یقین باطنی و عمل خارجی نسبت به یکدیگر تأثیری متقابل دارند گرچه در اولین مرحله تصور، باید بذریقین در دل - ولو در مرحله ضعیف آن - پاشیده شود تا غنچه عمل شکوفا گردد، لکن در مراحل بعدی، اعمال خارجی انسان، درجات یقین او را تعالی می‌بخشد و تکامل یقینش به عملهای خارج او تزیید و خلوص می‌دهد. پس هر عملی از انجام وظائف دینی و اخلاقی گویا چراغ تازه در صحنه قلب می‌افروزد و هر چراغ قلب و باطنی، حرکت معنوی او را سریعتر می‌سازد. و بدین جهت است که در مقام پیمودن راه کمال انسانی نه حرکت عملی او از نظر کم و کیف، حد "بقف" و محل ایست دارد و نه صفا و تجلی و کمال یقین باطنی. و لذا امر "واعبد" گانه یک امر نیست، بلکه هزاران امر است. بعدد مراحل قدرت انسانی در مراحل مختلف عبادت که نتیجه هر

سخن در صفت یقین بود و این حالت تقاضای راسخ، که اگر متعلق آن، توحید مبدا و ثبوت معاد و سایر امور مربوطه باشد از بهترین و برارزترین صفات انسان و جمال روح و کمال روان او خواهد بود. و اینک مناسب آن است که در باره اسباب و وسائل تحصیل این گوهر برار از دیدگاه اسلام، اندکی بررسی و فحص شود، باشد که از خلال آیات و ادله همراهی راهنمون شویم که طالب حرکت را به قله نافع این مقام، مسیری مستقیم تر و طریقی نزدیکتر بدست آید.

تأثیر یقین باطنی و عمل خارجی در یکدیگر:

آیه شریفه "واعبد ربک حتی یاتیک الیقین" (۱) را معنایی و تفاسیری است، از آنجمله آنکه این آیه دستور العملی است برای رسیدن به مرحله یقین و پیدا کردن این صفت عظیم، زیرا معنی آیه این است که: ای مخاطب و ای انسان! پروردگار خود را پرستش کن تا آنکه صفت یقین در قلبت پیدا شود، و هر درجه‌ای از یقین

غبطه فرشتگان آسمان است، وای انسان! چنین باش تا خلیفه الله شوی.

نتیجه آنکه، یکی از طرق تحصیل یقین، کوشش در عمل و سعی در عبادت است.

در آیه شریفه دیگر، خداوند درباره بنده خلیش چنین می فرماید:

"و كذلك نرى ابراهيم ملكوت السموات والارض وليكون من الموقنين" (۲)

— ما سلطه و قدرت خویش را نسبت به آسمانها و زمین، برای ابراهیم پیامبر ارائه نمودیم، این مطلب را به علی انجام دادیم که یکی از آنها این بود: وی در زمره اهل یقین باشد و این صفت کمال را بیابد. ملکوت، سلطنت و احاطه نام است. وار آیه مبارکه چنین بر می آید که خداوند، کیفیت سلطه خویش را به عالم وجود در مقابل چشم دل و دیده باطن ابراهیم خلیل آنچنان ارائه فرمود که جمال معنوی و کمال مطلق حق را در این آئینه شهود به روشی مشاهده کرد و همچنانکه ناظر آئینه، صورت و نقش را می بیند و نه آئینه را و دیدارش در صورت، فانی و خود آئینه گویا از دیدارش رائل است، ابراهیم خلیل از مشاهده جهان هستی، آفریننده هستی، و از دیدن مظاهر تجلی، جمال و کمال متجلی، و از مشاهده آثار، صاحب آثار را دیده است. و این است مفهوم نظر بندگان خالص حق، و این است نتیجه نگرش آنان به طواهر جهان پاری پرده از درودیوار در تجلی است یا اولی الابصار و این حسین بن علی (ع) امام عظیم النان است که عرصه می دارد:

"الهی علمت باختلاف الآثار و تنقلات الاطوار ان مرادک منی ان تتعرف الی فی کل شیء حتی لا اجهلک فی شیء" (۳)

— خدای من! از دیگرگویی آثار هستی و انتقال احوال عالم وجود، چنین فهمیدم که خواست نسبت به من این است که در تمام نشئون این عالم خود را به من معرفی کنی و ذرات عالم هستی را برای من آئینه صاف گردانی و در آن مرآه، زبانشهای خویش را ارائه نمایی تا آنجا که در دیدن هیچ موجودی، از مشاهده جمالت

قدم، در جمای از یقین است. و این است معنی آنکه گفته می شود: کمالات معنوی و درجات تکاملی انسانی، لایتناهی است، چنانکه سقوط و انحطاط و درجات باطنی وی نیز چنین است.

راهی برای تحصیل یقین:

در اخبار اهل بیت (ع) است که خدا فرموده: "لم یزل یتقرب الی عبیدی بالتواقل حتی اکون سمعه الذی یتسمع به و بصره الذی یرى به و یده الذی یمسح بها" — بنده مؤمن من در طریق تقرب خویش بتدریج بجایی می رسد که گویا کوشش "اذن الله"، و چشمش "عین الله" و دستش "ید الله" شده اند، یعنی در تمام ایام و ساعات عمر خویش جز آنچه را که مرضی حق است نمی شنود، جز آنچه را که رضای حق در آنست نمی نگیرد، و بغیر رضای او اعضا و اندامش حرکت نمی کند و بالاخره همه حرکات و سکونهای وجودش در مسیر رضای "الله" و در طریق اوامر و نواهیش قرار گرفته و حتی امور عادی او از قبیل خوردن و آشامیدن و خوابیدن و غیره جز عبادت و پرستش او شده اند، و این حالت ملکوتی است که در ضمن دعای کمال از خداوند می خواهیم:

"حتی تکون اعمالی و اورادی کلها وردا واحدا"

— خدای من! عملهایم در پیشگاهت تا آنجا به مرحله قبول آید که همه کردارم و گفتارم یک "ورد" باشد و همه حرکات مختلفم در زندگی یک عبادت گردد.

آری، آن کس که روح توحید در همه عملهای بدنیش دمیده شود و آنچه را که می گوید در طاعت او گوید و آنچه را که می کند در مسیر رضای او کند، او فرشتگای است زمینی که عملهایش مسود

آن کس که روح توحید در همه عملهای بدنش دمیده شود و آنچه را که می گوید در طاعت «او» گوید و آنچه را که می کند در مسیر رضای «او» کند، او فرشته ای است زمینی که عملهایش مورد غبطه فرشتگان آسمان است، وای انسان! چنین باش تا خلیفه الله شوی.

غفلت نکنم .

سپس خداوند نتیجه ارائه ملکوت را بر خلیل خویش در قسمت عمده ، این معنی قرار می دهد که : وی واجد صفت یقین باشد و در زمره موقنان درآید .

و خداوند درآیه دیگر می فرماید :

" یدبر الامر یفصل الایات لعلکم بلقاء ربکم توقنون " . (۴)

— خدای بزرگ تدبیرکارگاه عظیم آفرینش را برعهده دارد و بنحو تدریج ، امور جهان را تنظیم و اداره می کند و آیات و نشانه های خویشتن را — از توحید گرفته تا معاد — جداگانه در صحنه جهان ارائه می دهد و این عمل وسیع و قدرت و تدبیر گسترده که تمام ذرات هستی را دربر گرفته ، بدان جهت است که شما انسانها به لقای خدای خویش باور کنید و نور یقین در جلوه گاه دلنجان بتابد . امام سجاد (ع) در یکی از مناجاتهایش با خداوند خویش چنین عرض می کند :

" فاجعلنا من الذین کشف الغطاء عن ابصارهم وانجلت "

" ظلمة الريب عن عقائدهم و ضآئیرهم ... و تیقنت "

" بالفوز والفلاح ارواحهم "

— خدای من ! ما را از آن گروه گردان که پرده همه حواجب و حجاب همه پرده ها از مقابل چشم حق بینشان کنار رفته ، و از آسمان پاک قلبشان ظلمات و تاریکی هر شک و شبهه های زائل گشته و روح و روانشان به صفت علم و یقین متصف شده است ، آری ، یقین به رستگاری و نجات و کامیابی و فلاح .

راه دیگر برای تحصیل یقین :

خواننده گرامی ! یکی از راههای تحصیل یقین ، دعا و توسل به خود حضرت منان است که از این نعمت عظیم خویش بزرگوارانه بی بهره ماها میذول دارد . خواستن و اصرار کردن و ادامه دادن سؤال را نتیجه و اثری مسلم است در به هدف رسیدن انسان ، خاصه بوسیله دعا های وارده که آشنا شدن به سخنان اهل بیت و سخن گفتن به زبان آنان و عرض حاجت به میان آنان ، خود مولد

صفت یقین و تکامل بخش این فضیلت است .

و این نکته را در این مقام باید تذکر دهیم گرچه چندان ارتباطی با مقام ندارد ، که اصولا رسیدن به مقام فضیلت و قربی ، و یافتن هر صفت کمال معنوی و انسانی که روح بشر را با مبدا اعلی مرتبط می کند جز از راه توسل به دامن پربرکت اهل بیت (ع) امکان پذیر نیست . آری ! آنان خود ، بما تعلیم فرموده اند :

" من اراد الله بداریکم و من وحده قبل عنکم "

— کسی که بخواهد با مبدا فیض ازلی حق مربوط شود و از نعمت قرب آن ذات اقدس بهره مند گردد ، بی تردید باید از شما اهل بیت شروع کند ، چه آنکه آن منتهی را جز این مبدا نباشد ، و کسی که بخواهد به توحید ذات و صفاتش نائل آید ، توحیدش جز از راه اعتقاد به قداست شما مقبول نشود .

و بالجمله خواننده عزیز ، بوسیله اهل بیت عصمت و از راه توسل به آنان ، از ذات ربوبی حق در تحصیل این صفت بکوش که طبق وعده الهی به هدف پیرای خویشتن خواهی رسید . سلام بر صاحبان یقین که شایستگان راه الله اند ، و درود به شایستگان بندگان حق که صاحبان یقین اند .

" اللهم اجعلنا من الذین یؤمنون بالغیب و بالآخره هم "

" یوقنون "

آمین یا رب العالمین

۱ - سوره حجر ، آیه ۹۹ .

۲ - سوره انعام ، آیه ۷۵ .

۳ - از دعای عرفه .

۴ - سوره رعد ، آیه ۲۰ .

خدای بزرگ ، تدبیرکارگاه عظیم آفرینش را برعهده دارد و بنحو تدریج ، امور جهان را تنظیم و اداره می کند و آیات و نشانه های خویشتن را جداگانه در صحنه جهان ارائه می دهد و این عمل وسیع و قدرت و تدبیر گسترده که تمام ذرات هستی را دربر گرفته بدان جهت است که شما انسانها به لقای خدای خویش باور کنید و نور یقین در جلوه گاه دلنجان بتابد .